

۹ شهریور روز ملی "یوزپلنگ ایرانی"

نهم شهریور به نام "روز ملی یوزپلنگ ایرانی" زینت یافته است. جانوری زیبا و تیزپا که متأسفانه نسلش رو به انقراض است.

این روز، به پیشنهاد "انجمن یوزپلنگ ایرانی" که یک تشکل غیر دولتی (NGO) است، از سال ۱۳۸۶ نامگذاری شده است و همه ساله به همین مناسبت مراسمی در سطح کشور توسط این انجمن و سایر سازمان های مردم نهاد و علاقمندان محیط زیست، تدارک دیده می شود و برای اطلاعات بیشتر می توانید به وب سایت رسمی جشنواره روز ملی حفاظت از یوزپلنگ مراجعه فرمایید.

واژه یوزپلنگ از ترکیب دو واژه ی "یوز" و "پلنگ" تشکیل شده است. یوز بُن مضارع مصدر یوزیدن به معنای جستن، جهیدن و طلب کردن بوده و از این رو یوزپلنگ، به معنای پلنگی است که به دنبال شکار خود گشته و آن را با جستن و دنبال کردن می گیرد. نام یوزپلنگ در زبان انگلیسی چیتا (Cheetah) است. این واژه برگرفته از واژه ی سانسکریت چیتراکایاه به معنای «دارای بدن رنگارنگ» است.

یوزپلنگ از خانواده ی گربه سانان به شمار می آید، اما به دلیل داشتن دست و پای بلند، بدنی کشیده و باریک و سینه ای فراخ، تا حدود زیادی به سگ های تازی شبیه است. در میان گربه سانان، یوز با داشتن ارتفاع شانه ای برابر با ۸۳-۷۶ سانتی متر و وزنی میان ۷۲-۴۰ کیلوگرم از جمله گربه سانان کوچک جثه به شمار می رود. اندازه ی طول بدن به ۱/۲ متر می رسد و طول دم نیز میان ۸۴-۶۶ سانتی متر است. ماده های این جانور اندکی کوچکتر و لاغرتر از نرها هستند.

سر این جانوران به نسبت کوچک است و سینوس های بزرگ و گذرگاه های هوایی بینی، بیشتر حجم جمجمه را می پوشانند. چنین چیزی باعث شده است که یوز، فک و دندان های کوچکتری داشته باشد، اما میزان بسیار بالایی هوا را به درون بدن بکشد. میزان بالای هوای ورودی به آن، در رسیدن به سرعت های بالا و افزایش سوخت و ساز بدن کمک می کند. قلب بزرگ و شش های حجیم نیز به نوبه خود امکان رساندن اکسیژن ورودی به بخش های گوناگون بدن را فراهم می کنند.

یوز تنها گربه‌سانی است که دور پنجه‌ها، شیار پوستی‌ای که همچون غلاف پنجه عمل کند، ندارد. ناخن‌های این جانور همواره برهنه هستند و این ویژگی، در ردپای جانور نیز آشکار می‌شود. پنجه‌ی این گربه‌سان با ناخن‌هایی همواره رو به بیرون، بیشتر همانند پنجه‌ی سگ است تا گربه. چنین ناخن‌هایی در هنگام سرعت گرفتن، همان اثری را برای یوز ایفا می‌کنند که خارهای کفش دوندگان دوی سرعت، در هنگام آغاز مسابقه.

رنگ بدن یوز، نخودی تا خاکستری متمایل به زرد است و خال‌های ریز و درشتی آن را پوشانده‌است. دور دهان، چانه و گلو به رنگ سفید هستند و زیر شکم و بخش درونی دست و پاها نیز به رنگ روشن است. خال‌های روی بدن گرد و سیاه‌رنگ هستند ولی الگوی ویژه‌ای ندارند. نوار سیاه‌رنگی از گوشه‌ی چشم تا دهان امتداد می‌یابد که به "خط اشک" معروف است. این خط، با جذب نور خورشید از انعکاس نور جلوگیری می‌کند و با کم کردن زندگی نور خورشید، درست مانند عینک آفتابی، از چشمان یوزپلنگ محافظت می‌کند. پشت گوش‌ها، سیاه‌رنگ و در پایه‌ی خود و گوشه‌ها نخودی می‌شود. دم نیز بر روی خود، خال‌هایی دارد که در انتها به حلقه‌هایی کم‌و‌بیش ناکامل می‌رسند. تعداد خال‌های روی بدن هر یوزپلنگ آفریقایی به بیش از سه هزار عدد می‌رسد ولی تعداد خال‌های یوزپلنگ آسیایی (ایرانی) به دلیل بزرگتر بودن کمتر است. رنگ بدن آسیایی‌ها همچنین زرد مایل به قهوه‌ای کم‌رنگ است در حالی که یوزهای جنوب صحرای آفریقا زرد نخودی هستند.

یوزها اغلب برای زندگی، مناطق خشک و باز همچون استپ‌ها و علفزارها را انتخاب می‌کنند. در چنین محیط‌هایی است که یوز می‌تواند با سرعت در پی طعمه‌هایش بدود؛ برخلاف جنگل که وجود درختان انبوه نه تنها مانع از حرکت سریع جانور می‌شود، که در شب‌ها هم با انداختن سایه جلوی دید بهترش را می‌گیرد. یوزها برخلاف شیرها، در طول روز فعالند و بیشتر وقت شب را به خواب و استراحت می‌گذرانند.

یوزها در طبیعت به سه حالت دیده می‌شوند: تنها، گروه خانوادگی و نرهای سرگردان. گروه خانوادگی متشکل از مادر به همراه توله‌ها است. نرهای سرگردان معمولاً برادر بوده و اغلب یک ائتلاف دو یا سه تایی را تشکیل می‌دهند؛ به ندرت اتفاق می‌افتد که یک نر تنها زندگی کند. این ائتلاف، با هم به شکار رفته و معمولاً محدوده‌ی زندگی آنها، با قلمرو چند ماده هم‌پوشانی دارد. حرکات گروه و مقصدشان، اغلب به رفت‌وآمد طعمه‌ها وابسته است. گستره‌ای که یک ائتلاف برای پیدا کردن طعمه زیر و رو می‌کند، می‌تواند به بیش از ۱۰۰ کیلومتر

مربع برسد. یوزها زیاد قلمروخواه نیستند و در میان آنها، درگیری با یوزهای غریبه بر سر تملک یک قلمرو، کمتر اتفاق می‌افتد. در این جانوران، رفتارهای قلمروخواهانه همچون نشان‌گذاری محل توسط پاشیدن ادرار، بسیار کمتر و نامتکامل‌تر از پلنگ‌ها و شیرها است.

یوزها روش شکار کردن را از مادرانشان فرا می‌گیرند. آنها از آغاز ۴ ماهگی گاه در کنار مادر خود به شکار می‌روند و هرچه سنشان بالاتر می‌رود این همراهی بیشتر می‌شود. اگرچه وجود بچه‌ها و بازیگوشی‌شان گاه باعث ایجاد مزاحمت برای مادر می‌شود اما بودن فرزندان در هنگام شکار، به آنها فرصت مناسبی برای یادگیری فن گرفتن طعمه می‌دهد. گاه مادر با به دام انداختن بچه آهوان، آنها را در اختیار فرزندانش می‌گذارد تا با بازی کردن و تلاش برای گرفتن آنها، توانایی‌های شکاری خود را بالا ببرند.

یوزها در هنگام شکار به آهستگی به طعمه‌ی خود نزدیک می‌شوند و آن را تعقیب می‌کنند. این مرحله زمان‌بر است و می‌تواند تا نیم ساعت نیز طول بکشد. در یوزهای بالغ، بیش از ۵۰ درصد زمان شکار، صرف آهسته راه رفتن و خزیدن به همراه تعقیب می‌شود. پس از آنکه یوز به اندازه کافی به طعمه خود نزدیک شد، جانور با سرعت زیادی به سوی طعمه می‌دود و تلاش می‌کند که آن را نقش بر زمین کند. بسته به وزن طعمه، یوز راهکارهای گوناگونی برای به خاک نشانیدن آن به کار می‌گیرد. برای طعمه‌های کوچک‌جثه، وارد کردن ضربه با پنجه‌ی جلو و مختل کردن تعادل طعمه در هنگام فرار کافی است، اما طعمه‌های بزرگتری همچون آهوان بالغ نیاز به حمله از پشت، وارد کردن ضربه به ران و پریدن بر پشت آن دارد. در هر دو صورت، یوز پس از به زمین افتادن طعمه، گردن آن را به دندان می‌گیرد تا شکار از خفگی جان سپارد. برخلاف شیر، که دارای پنجه‌هایی قوی برای ضربه زدن به شکار است، یوزها از پنجه‌هایشان، آنچنان برای گرفتن شکار بهره نمی‌برند و تنها آن را خفه می‌کنند. تفاوت دیگر شکار یوز با دیگر گربه‌سانان نیز در قدرت وارده به گردن است؛ در شیرها، ضربه‌ی وارده توسط فک به گردن، باعث شکستن ستون فقرات گردن می‌شود، حال آنکه دندان‌های یوز، توانایی شکست استخوان را ندارند و تنها راه نای را می‌بندند.

مرگ و میر توله‌ها در یوز بسیار بالا است و کمتر از ۱۰ درصد توله‌های به دنیا آمده به سن بالای یک سال و نیم می‌رسند. مهم‌ترین دلایل چنین مرگ و میری، کشته شدن توسط درندگان چون شیر، بیماری، رها شدن و کمبود غذا است. در بسیاری موارد، مادر به دلیل آنکه خود غذایی برای خوردن نداشته و کاهش وزن پیدا می‌کند،

توله‌هایش را رها می‌کند. به دلیل مرگ و میر بالای توله‌ها، در عمل تنها تعداد محدودی ماده‌ی باتجربه می‌توانند توله‌هایشان را به سن‌های بالا و استقلال برسانند و دیگر ماده‌ها شاید در طول زندگی خود حتی یک توله را نیز به بلوغ نرسانند. توله‌ها تا ۳ یا ۴ ماهگی از سوی مادر شیر داده می‌شوند و سپس توسط غذای به دست آمده از شکار تغذیه می‌شوند. آنها از ۱۴ تا ۱۶ ماه پس از تولد، تحت مراقبت مادر قرار دارند و یوز ماده به‌جز به‌هنگام شکار لحظه‌ای آنها را تنها نمی‌گذارد. نرها در مراقبت نوزادان هیچ دخالتی ندارند. بچه‌ها همیشه در حال بازی با یکدیگر بوده و مهارت‌های شکار را با طعمه‌های زنده‌ای که مادر به آشیانه بازمی‌گرداند فرا می‌گیرند، هر چند این توله‌ها همچنان در شکار طعمه آماتور باقی می‌مانند. یوزهای جوان در سنین بعد از نوجوانی و در هنگام جدا شدن از مادر به جهت ایمن بودن از خطرات احتمالی، به مدت شش ماه با هم باقی می‌مانند. اما پس از این دوره، خواهرها گروه را ترک کرده اما برادرها به زندگی در کنار هم ادامه می‌دهند.

یوزها آسیب‌پذیرترین گونه در میان دیگر گربه‌های بزرگ هستند. آنها تا چند صد سال پیش، از شبه‌قاره‌ی هند تا کرانه‌های دریای سرخ و بیشتر قاره‌ی آفریقا و بخش‌های گسترده‌ای از آسیا، زندگی می‌کردند اما امروزه از سوی چندین مورد گوناگون که بشر در آن دخیل است، در معرض تهدید انقراض قرار گرفته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به نابودی زیستگاه اشاره کرد که در اثر افزایش فعالیت‌های انسانی و نیاز به زمین بیشتر برای کشاورزی، صنعت و راه‌سازی اتفاق رخ داده است. نابودی زیستگاه، باعث راندن یوزها از یک ناحیه به ناحیه‌ی دیگر نمی‌شود بلکه یوزهای ناحیه‌ی نابودشده را، برای همیشه منقرض می‌کند. برای نمونه، یوزهای فلات ایران، به دلیل نابود شدن زیستگاه‌هایشان به آن ناحیه پناه نبرده‌اند، بلکه واپسین یوزهایی هستند که از هزاران سال پیش در آن منطقه زندگی می‌کرده‌اند. در ایران، تعداد زیادی از یوزها، توسط عوامل انسانی به دلیل برخورد با خودروهای عبوری در بزرگراه‌ها و جاده‌ها از پای درآمده‌اند. شکار بی‌رویه این جانداران برای تفریح و تروفه و کاهش جمعیت طعمه‌ی موردعلاقه‌شان یعنی آهو و جیبر، دیگر عوامل کاهش جمعیت این جانوران بوده‌است به طوری که در کمال تاسف، گفته می‌شود تنها ۵۰ قلاده تا انقراض کامل آنان باقی مانده است. البته آمار دقیقی از تعداد یوزها وجود ندارد اما آنچه مسلم است این است که ادامه‌ی این روند، انقراض این گونه‌ی منحصر بفرد را در پی خواهد داشت.